

نسخه برگردان «جنگ مهدوی» / «بیاض قزوینی»

جنگ مهدوی: تاریخ کتابت از ۷۵۳ قمری به بعد، چاپ عکسی از روی نسخه خطی کتابخانه دکتر اصغر مهدوی.

تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۰، ۳۰+۵۹۰ ص.

سلسله کتاب‌های چاپ عکسی از روی نسخ خطی: ۶.

شابک ۸-۱۰۱۰-۱۰۱-۹۶۴

انتقال نسخه‌های خطی ممتاز و یگانه، همین است که چاپ کاملاً مطابق اصل خط باشد. هر مجموعه، که شکل بیاض و جنگ خطی داشته باشد، نسخه منحصر به فرد یعنی یگانه است و به شایستگی می‌ارزد و می‌سزد که هریک از آنها را به همین اسلوب به چاپ عکسی انتشار داد و از این راه وسایل تحقیق و تتبع طبقه پژوهندگان - چه در کار متن‌شناسی و چه نسخه‌شناسی (از حیث تفرس و تجسس در مباحث قاعده‌یابی) - را فراهم ساخت. بدین مناسبات باید به خادمان مرکز نشر دانشگاهی آفرین گفت. کاش بر این مجموعه «بیاض مهدوی» نام گذاشته شده بود، زیرا شکل تقطیع کاغذ و تجلید آن به اسلوب نسخه‌های بیاضی است و در دفتر ثبت کتابخانه هم به شماره ۵۹۱ بیاض قلمداد شده است. جز این ظاهراً کلمه «جنگ» بر نام مجموعه‌های خطی در قرن هشتم - که این مجموعه از آن عصر است - گذاشته نمی‌شد یا من ندیده‌ام.

مرکز نشر دانشگاهی یکی از بیاض‌های خطی مجموعه دکتر اصغر مهدوی را به طور چاپ نسخه برگردان (فاکسیمیله) به دسترس علاقه‌مندان نسخ خطی و مطالعه کنندگان مطالب فلسفی و عرفانی و کلامی و منطقی در آورد. این مرکز تاکنون چند نسخه قدیمی را به همین ترتیب به چاپ رسانیده و این «جنگ» ششمین نسخه از این سلسله ارزشمند است، که ان شاء الله شمار آنها از صد درگذرد.

تردید نباید کرد که اگر صاحب بصیرت و همتی این بیاض را به استنساخ می‌کشاید و کمال دقت و ممارست را در تصحیح و ویراستن آن مبذول می‌کند به هیچ وجه توفیق نمی‌یافت که نسخه را چنین که اکنون هست و به روایت مشتاقان می‌رسد عرضه کند. بینندگان هم طبعاً نمی‌توانستند از چنان چاپی دریابند که کاتب نسخه آن را چگونه و به چه سرو وضعی پرداخته بوده است. مزیت چاپ‌های نسخه برگردان در

معمولاً «بیاض» و «سفینه» مصطلح بوده است. جنگ مهدوی مطابق فهرستی که به حوصله دوست فاضل مهدی قمی نژاد فراهم شده حاوی قریب یکهزار و دوویست رساله کوتاه و شعر و گفته و عبارت و ملتقطات گوناگون از کتب متنوع است و هریک از این مطالب گونه‌گون که غالباً در زمینه و قلمرو عرفان و فلسفه و کلام است مستند به اقوال دانشمندی است که معمولاً و غالباً نامش در مجموعه مذکور است مانند: افلاطون، ارسطو، شافعی، احنف، هرمس، ذیوجانس، اویس قرنی، ابن الرومی، ابوفراس، انوشروان، بزرجمهر و دیگر افراد از طبقات مربوط به قرون قدیمه. از رجال و دانشمندان قرون چهارم به بعد نوشته‌ها و سروده‌هایی از ابن سینا، سهروردی، شیخ رودباری، شهاب‌الدین جرفادقانی، رازی، قاضی نظام‌الدین اصفهانی، فارابی، سیف باخرزی، نجم‌الدین کبری، اثیرالدین ابهری، محمود وراق، احمد غزالی، ابوالحسن جرجانی، یاقوت کاتب بغدادی و اقران آنها، قطعات سخته و پخته با ارزش زیاد درین مجموعه درج شده است. از فهرست اعلام اشخاص که هم مهدی قمی نژاد استخراج کرده است می‌توان به تخمین دریافت که احتمالاً نام یکهزار تن درین مجموعه ذکر شده است، اعم از آنکه نامشان طردالباب در مطاوی مطالب آمده باشد و یا آنکه صاحب نوشته‌ای یا سروده‌ای بوده است.



قمی نژاد نام اشخاص را در فهرست خود معمولاً به همانسان که در مجموعه دیده نقل کرده، به همین ملاحظه بعض از نامها را در دو جای می یابیم. مثلاً عبدالله بن طاهر و عبدالله بن طاهر یا باخرزی (الشیخ) و سیف الدین باخرزی یا فضل عیاض و فضیل عیاض.

دقت قمی نژاد در استخراج فهارس تا آنجاست که اگر کاتب جامع در آوردن نام گوینده شعری به لفظ «شاعر» پسند کرده است همان کلمه شاعر را برای دستیابی پژوهندگان در فهرست آورده است و البته کار شایسته ای انجام داده است. همچنانکه کلمه «فیلسوف» هم درین فهرست آمده است و نظایر آن مانند: مجوس، کسری، لادری، لطیفه، لغیره، الهاتف...

فهارس دیگری که تهیه شده همه ارزشمندست و از سر حوصله انجام شده است. کاش اگر ممکن می بود فهرستی موضوعی هم برای چنین گنجینه ای فراهم شده بود. همان طور که فهرستی مفید از اشعار بر اساس ردیف صفحه شمار چاپ (عربی جدا و فارسی جدا) تهیه شده است و این فهرست بسیار کارگشا و زحمت زد است. ناگفته نماند که در فهرست ابیات فارسی چهار بار «سیف الدین باخرزی» به غلط «سیف الملوک» آمده است. شاید «سنجری» شاعر هم «سنجری» شاعر باشد (ص ۳۴۴)، زیرا اگر در خط متن دقت شود کلمه بیشتر به سنجری مشابعت دارد، مگر آنکه واقعا سنجری شاعر داشته ایم. نیاز به تحقیق دارد. در این بیاض تعداد اشعار فارسی نسبت به اشعار عربی کمتر است. از شاعران نامبردار پارسی گوی نام سعدی و مولانا و بابا افضل کاشی و سیف الدین باخرزی و رکن الدین دعوی دار قمی و کمال الدین اسمعیل اصفهانی و نظام الدین قاضی اصفهانی و اوحدالدین کرمانی و عزالدین کرخی قزوینی و احمد غزالی و بعضی دیگر یافتنی است. اصولاً مجموعه به نقل نوشته های عربی اختصاص دارد، زیرا بسیاری از متون اساسی و اقوال قدیم در زمینه های عرفانی

و کلامی و فلسفی بدان زبان می بود. اصولاً کاتب بیاض از این گونه نوشته ها چیزی به زبان فارسی درین مجموعه نیاورده است. نام کاتب نسخه در صفحه عنوان و در مقدمه آن عنوان نشده است. جاداشت حتماً این قید در صفحه عنوان کتاب و مقدمه می آمد. البته آقای قمی نژاد نام کاتب را در فهرست اعلام مندرج ساخته است و در فهرست مرحوم دانش پژوه مندرج در دفتر دوم نشریه نسخه های خطی (ص ۱۳۹) هم نام کاتب و سنه کتابت و نام «قلاة بندر» که محل کتابت نسخه بوده ذکر شده است. مشخصات کتابت در صفحه ۴۵۸ نسخه، انجامه (کلفون) رساله ای (که از صفحه ۴۴۸ شروع شده) چنین آمده است: «علی یدی العبد المذنب الراجی الی رحمة ربه الغنی فتح الله الکاتبی القزوینی... فی القلعة دار الامان المشتهر بقلاة البندر... فی تاریخ سنة اربع و خمسين و سبعمانه». بنابراین چون نام جامع کاتب مشخص است این مجموعه به نام «بیاض قزوینی» هم خوانده شدنی است.

کتابت نسخه به همین انجامه که رسیده در سال ۷۵۴هـ. سرانجام یافته بوده است. پس کتابت صفحات پیش از آن مربوط به سنواتی چند قبل از آن می شود. چنین مجموعه هایی معمولاً یادگار سنواتی متعدد است و علی القاعده نمی تواند قطعاً از سال ۷۵۳هـ. شروع شده باشد. چنانکه در صفحه عنوان آورده شده است.

اشارتی که کاتب به محل کتابت کرده و آنجا را «دار الامان قلات البندر» مذکور داشته است جایی نمی تواند باشد مگر قلات بندر شیراز که نامش در شدالازار (مؤلفش در ۷۹۱هـ. فوت کرده) بطور استطرادی آمده و مرحوم محمد قزوینی شرح مشبعی راجع به آن بر تعلیقات همان کتاب در شناسایی تاریخی و جغرافیایی آنجا نوشته است. آن اضافات در مجله یادگار هم طبع شده و مرحوم عبدالوهاب نورانی وصال آن فوائد را در حواشی هزار مزار نقل کرده است. حمدالله مستوفی قزوینی که هم عصر

کاتب «جنگ مهدوی» است در نزهة القلوب (ص ۱۳۸، چاپ محمد دبیرسیاقی) «قنات قلات بندر» را ذکر می کند و می نویسد که به «کت سعدی» مشهور است. مرحوم قزوینی بهترین مرجع را در شناسایی قلات شیراز توصیف فرصت شیرازی در آثار عجم دانسته است. فرصت آن محل را به شهرت زمان خود «قلعه بندر» یاد کرده است. می دانیم که قلات صورتی از قلعه (کلات) است. آنجا قلعه ای بوده است در یک میلی سمت شرقی شیراز. تحقیقات قزوینی نشان می دهد که «بندر» صورت مقلوب شده «بهنادر» (بندر) است.

بهر تقدیر این کتاب که مجموعه ای بانصد و چند صفحه ای از فوائد فلسفی و حکمی و منطقی و کلامی از مراجع و منابع متنوع برای خود تنظیم و التقاط کرده بود قطعاً دانشمندی بوده است آگاه بر آن گونه مباحث و اقوال. پس از آن کاتبهای معمولی نبوده است که کارشان استنساخ هر گونه کتابی می بوده است. به این ملاحظه قدر این مجموعه بیش بها بیش است از آنچه صورت ظاهر آن گواه است. و چه بسا این «فتح الله الکاتبی القزوینی» از خاندان نجم الدین علی بن عمر کاتبی قزوینی مشهور به دبیران (۶۰۰-۶۷۵هـ.) باشد که مقام علمی او مسلم است.

سال ۷۵۴هـ. که فتح الله کاتبی قزوینی در قلات بندر شیراز بوده و رساله ای از این مجموعه را به کتابت در آورده بود مقارن ایامی است که آل مظفر در آنجا حکومت می کرده اند و حافظ در حیات می بوده است و چه بسا که کاتب حافظ را می شناخته است. جای دریغ و شاید عجب است که از حافظ بیتی درین مجموعه نقل نشده است. البته از سعدی هم فقط سه بیت و دوریاعی وجود دارد. ضمناً بی مناسب نیست بنویسم که این مجموعه (بیاض) هم عصر است با بیاض تاج الدین احمدوزیر که هم در شیراز به سال ۷۸۲هـ. جمع آوری شده است و من مفتخر بودم که توانستم به قبول و لطف دکتر قاسم معتمدی، رئیس وقت دانشگاه اصفهان چاپ

